

سید مهدی روح‌بخش
عضو حلقه‌ی علمی افق
گروه آموزشی فقه و مبانی اجتهاد

جلوه‌ی دیانت در سیاست

سوابق سیاسی در خاندان فلسفی

برای آنکه زیست‌نامه‌ی سیاسی مرحوم آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی را بتوان به درستی تحلیل نمود، لازم است نگاهی به فعالیتهای سیاسی پدر و برادران ایشان افکنده شود. مرحوم آیه الله محمد رضا تنکابنی از همسر اول خویش دارای سه فرزند پسر می‌باشد:

۱- حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حاج میرزا ابوالقاسم فلسفی، متولد سال ۱۳۲۴هـ.ق و متوفای سال ۱۳۷۱هـ.ش در سن ۸۷ سالگی.

۲- خطیب توانا حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین حاج میرزا محمد تقی فلسفی متولد ۱۳۲۶هـ.ق و متوفای ۱۳۷۷

۳- حضرت آیه الله حاج میرزا علی آقا فلسفی^۱، متولد ۱۳۰۰ و متوفای ۱۳۸۴هـ.ش در سن ۸۴ سالگی در مشهد مقدس.

به گفته‌ی مرحوم محمد تقی فلسفی^۲ آیه الله محمد رضا تنکابنی در حوادث مشروطه و ملی شدن صنعت نفت وارد نشد، اما ارتباطهایی با مرحوم مدرس و آیت‌الله کاشانی داشت.

۱- در این مقاله با عنوان مرحوم فلسفی معرفی خواهند شد.
۲- در این مقاله با عنوان فلسفی خطیب نامگذاری خواهد شد.

تنها دو اعلامیه و یک فعالیت سیاسی به مناسبت بحث جمهوری خواهی رضاخان بود که به اصرار مرحوم مدرس علمای تهران در مجلس متحصن شدند.^۱ و

از این دو اعلامیه، اولی^۲ به مناسبت تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی است که با توجه به حساسیت موضوع و از این باب که مسأله صرفاً سیاسی نبوده، بلکه به عنوان یک وظیفه مذهبی قلمداد می‌شده، ایشان به همراه آیه الله العظمی خوانساری و آیه الله آقا شیخ محمد تقی آملی پای اعلامیه‌های مخالفت با این مسئله را امضا کردند. اما اعلامیه‌ای^۳ که علاوه بر ایشان، فرزندان آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی هم آن را امضاء نمودند در ماجرای عید نوروز سال ۴۲ بود که تمام علمای ایران من جمله علمای تهران اطلاعیه‌ای مبنی بر نداشتن عید در سال ۴۲ می‌باشد. غیر از آن چه که گفته شد مورد دیگری مبنی بر فعالیت سیاسی ایشان یافت نشد.

مرحوم میرزا ابوالقاسم فلسفی: آن مرحوم با تأسی به پدر خویش در هیچ گونه فعالیت سیاسی وارد نشد، بلکه در کنار پدر سرگرم تنظیم اسناد حقوقی بود. تا اینکه بعد از وضع قانون دفاتر اسناد رسمی و دفاتر ازدواج و طلاق، ایشان رسماً در کنار تدریس فقه و اصول به کار محضر مشغول شدند. تنها دو سند از ایشان در ساواک^۴ موجود است؛ نخستین آنها مربوط به حضور ایشان در مراسم جشن ولادت حضرت مهدی (عج) در بیت آیه الله کاشانی می‌باشد، که با توجه رفاقت پدر ایشان با آیه الله کاشانی اینگونه رفت و آمدها غیر طبیعی نبوده است. دومی مربوط به نام ایشان در لیست فعالین قیام ۱۵ خرداد به شماره سند ۱۱۱-۱۱۸ موجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی می‌باشد.

مرحوم میرزا محمد تقی فلسفی: کمتر کتابی در باره‌ی تاریخ انقلاب اسلامی را می‌توان یافت که در آن نامی از مرحوم فلسفی خطیب نباشد. اگر بخواهیم به زندگی سیاسی ایشان بپردازیم و آن را در چند خط بیان کنیم در حق این مرد بزرگ جفا کرده‌ایم. از این رو خواننده را به دو کتاب ارزشمند: «خاطرات و مبارزات حجة الاسلام فلسفی» و هم چنین «زبان گویای اسلام» که به بررسی اسناد ساواک درباره ایشان می‌پردازد، ارجاع می‌دهیم.

۱- رضا خان در سال ۱۳۰۲ مسأله جمهوریت نظام حکومتی ایران را مطرح کرد که با توجه به مسائل پشت پرده‌ای که این تفکر داشت علماء با رهبری مرحوم مدرس به مخالفت با این طرح پرداختند.

۲- به نقل از کتاب خاطرات حجة الاسلام فلسفی صفحه ۳۶-۳۷.

۳- متن اعلامیه در کتاب اسناد انقلاب اسلامی جلد ۳ صفحه ۵۲ موجود می‌باشد.

۴- متن اعلامیه در کتاب اسناد انقلاب اسلامی جلد ۳ صفحه ۵۸ موجود می‌باشد.

۵- گزارشگر ساواک نام ایشان را به عنوان یکی از حضار آورده است که نشان از حساسیت ساواک نسبت به خاندان فلسفی دارد.

اقدامات سیاسی آیه الله فلسفی

مرحوم میرزا علی فلسفی با توجه به این که همواره متوکل تحصیل و تعلیم علم و پیمودن راه فقاقت در حوزه‌های نجف، تهران و مشهد بود، اما به هیچ عنوان از کنار مباحث سیاسی کشور بدون توجه گذر نمی‌کرد. زندگی سیاسی ایشان را می‌توان در چهار محور ذیل دسته بندی کرد:

الف. صدور اعلامیه:

در برخی از رخداد‌های کشور ایشان با صدور اعلامیه به همراه علمای تهران و مشهد از مبارزین نهضت ایران اسلامی به رهبری امام خمینی ره حمایت می‌کردند. از ایشان در حدود ۱۱ اعلامیه صادر شده و حاوی مفاد زیر است:

- اولین اعلامیه در محکوم کردن لایحه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی به تاریخ اول آذر ۱۳۴۱.

- حمایت از رهبری نهضت امام خمینی ره و هم چنین مبارزین در خط مقدم مانند شهید آقا مصطفی خمینی ره و شهید سعیدی ره.

- همدری با خانواده شهدا و مجروحین و حادثه دیدگان حوادث انقلاب اسلامی.

- اعلام عزای عمومی، همراه با علما و روحانیون سراسر کشور در مناسبت‌های مختلف.

- انتقاد از عملکرد دولت و بعضاً نظام شاهنشاهی.

ب. اقدامات عملی:

ایشان در کنار صدور اعلامیه به صورت عملی هم حضور خود را در راه پیروزی انقلاب اسلامی اعلام می‌کردند که می‌توان حضور ایشان را در چند محور ذیل خلاصه کرد.

- شرکت در جلسات مشورتی در جهت تصمیم‌گیری مبارزاتی مانند شرکت در بیت آیه الله العظمی سید عبدالله شیرازی در عصر نهم دی ماه ۱۳۵۷.

- شرکت در مجالس تحصن مانند: شرکت در تحصن علما مشهد در تاریخ دهم بهمن ماه ۱۳۵۷ در صحن مطهر امام خمینی ره، برای اعتراض به بستن فرودگاهها توسط بختیار در جهت ممانعت از ورود امام به میهن اسلامی.

- شرکت مستقیم در راهپیمایی‌های انقلاب و هم چنین حضور در مراسم استقبال از ورود امام.

- تعطیل نمودن مجالس درس و نماز جماعت در جهت همراهی مبارزین و هم چنین ابراز تنفر از اقدامات رژیم مانند: تعطیل نمودن دروس و نماز

۱ - جهت مشاهده فهرست اطلاعیه‌های که ایشان امضا نموده اند به صفحه مراجعه شود.

جماعت خود در واقعه دستگیری شهید هاشمی نژاد در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۵۷.

ج. امامت جماعت:

ایشان امامت جماعت را تنها در خواندن نماز برای مردم خلاصه نمی‌کردند. بله طبق اسناد موجود در ساواک می‌توان به این نتیجه رسید که حضور ایشان به عنوان امام جماعت چه در زمانی که در مسجد لرزادهی تهران اقامه نماز می‌فرمودند و چه در زمانی که در مسجد بناهای مشهد بودند، موجب فراهم شدن فعالیتهای سیاسی بر ضد رژیم می‌شد.

با نگاهی به اسناد دو مسجد لرزاده و بناها در ساواک می‌توان به این نتیجه رسید که بعد از حضور ایشان در هر کدام از دو مسجد موجی از فعالیتهای سیاسی ایجاد شده است که در نهایت هر دو مسجد از مهم‌ترین کانون‌های فعالیت بر ضد رژیم شاهنشاهی قرار می‌گرفتند. مثلاً بیش از ۹۰ درصد از اسناد ساواک درباره مسجد بناها از سال ۵۰ شمسی به بعد^۱، و هم‌چنین اغلب اسناد مسجد لرزاده مربوط به سالهای ۴۰ تا ۵۰ است.^۲

اهم فعالیتهای سیاسی مسجد لرزاده در زمان حضور ایشان:

- سخنرانی در نقد فعالیتهای دولت توسط محمدتقی فلسفی.^۳
- برگزاری مراسم ترحیم شهدای انقلاب مانند شهید سعیدی^۴ که با دخالت رژیم به هم خورد.

اهم فعالیتهای سیاسی مسجد بناها در زمان حضور ایشان:

- بعد از حضور ایشان در مسجد بناها این مسجد به همراه مسجد کرامت و بیوت علماء مانند آیه الله شیرازی و قمی به عنوان یکی از مراکز و کانون‌های فعالیت بر ضد رژیم شمرده می‌شد.

- مراسم ترحیم شهدای انقلاب توسط شخصیت‌هایی مانند حضرت آیه الله العظمی سیدعبدالله شیرازی^۵ در این مسجد انجام می‌گرفت.

- برگزاری مجالس حساس برانگیز مانند مراسم ترحیم مرحوم تختی توسط دانشجویان دانشگاه مشهد

- تکثیر و توزیع و نصب اعلامیه‌های ضد رژیم در مسجد^۶ انجام می‌گرفت.

- برخی از تظاهرات دانشجویان و طلاب از مسجد^۷ شروع می‌شد.

۱. با توجه به اینکه نهضت از سال ۴۲ شروع شده بود ولی فعالیت قابل ملاحظه‌ای در این مسجد در اسناد ساواک مشاهده نمی‌شود.

۲. ایشان از سال ۵۰ شمسی تا زمان ارتحال در این مسجد به اقامه نماز می‌پرداختند.

۳. البته بعد از این سال هم فعالیتهای ادامه داشت که می‌توان از برکات حضور معظم له در این مسجد شمرد.

۴. سند ۷-۱۰۲۹ به تاریخ ۴۳/۱۱/۴ نگهداری شده در مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۵. سند ۳-۱۳۳۸ به تاریخ ۴۹/۳/۲۶

۶. سند ۸۹-۱۲۸ به تاریخ ۱۳۵۶ مودجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۷. سند ۵۶-۲۰۷۴ به تاریخ شهریور ۱۳۵۷ مودجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۸. سند ۱۳-۲۱۳۷ به تاریخ شهریور ۱۳۵۷ مودجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی

- تعداد زیادی از تجمعات سیاسی بر ضد رژیم در مسجد صورت می پذیرفت

د: ارتباط ایشان با امام ره:

در رابطه با اینکه ارتباط ایشان با امام از چه زمانی آغاز شد سند مشخصی در دست نیست. اما می توان از اجازه نامه ای که امام به ایشان در سال ۱۳۴۴ شمسی در مصرف و دریافت و دستگردان خمس به ایشان دادند و مواضعی که ایشان در دفاع از افکار و سیاستهای امام در پیش گرفتند می توان دریافت که چرا در زمان ورود ایشان به میهن اسلامی، مرحوم فلسفی به همراه برخی از بزرگان مشهد مانند حضرات آیات مروارید، میرزا جواد تهرانی و سید عزالدین زنجانی با وجود مشکلات فراوان، با علاقه ی تمام به دیدن امام در تهران شتافتند.

وقایع نگاری فعالیت های سیاسی آیه الله فلسفی

۱. ماجرای انجمن های ایالتی و ولایتی (۱۶مهر ۴۱) و اعلام نداشتن عید نوروز (سال ۴۲).

در ۲۸ تیر ۴۱ با استعفای امینی، دولت علم تشکیل شد. در ۱۶ مهر ۴۱ اولین اقدام دولت علم مبنی بر اجرای سیاست های جدید اعلام شد و لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی در هیأت دولت تصویب گردید.^۲

سه موضوع در این لایحه بحث برانگیز بود: حذف اسلام از شرایط نمایندگی مجلس، سوگند به کتاب های آسمانی در مواردی که طبق قانون باید به قرآن سوگند خورد، تساوی کامل حقوق زن و مرد و شرکت زنان در انتخابات.^۳ انتشار لایحه در روزنامه ها و آگاهی مردم و علما، منجر به صدور اطلاعیه هایی از تمام علمای قم، نجف، مشهد، تهران و دیگر نقاط جهان اسلام گردید.^۴

در تاریخ ۴۱/۹/۱۰ دولت علم اعلام کرد این لایحه اجرا نخواهد شد. اما شاه در نطقی به تاریخ ۴۱/۱۰/۱۸ اصول شش گانه انقلاب سفید را اعلام کرد و گفته شد که این اصول، روز ۴۱/۱۱/۶ به referendum (همه پرسی) گذاشته خواهد شد.^۵

۱. سند ۴۳-۴۱۳ به تاریخ ۵۷/۶/۱۱ موجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۲. این لایحه در غیاب مجلس، حکم قانون را داشت و در واقع زمینه ساز برای لوایح و قوانین دیگر بود.

۳. شاید اعتراض علما به این بند از لایحه سؤال برانگیز باشد اما با توجه به مسائل پشت پرده ای این لوایح - که در کتاب سه سال ستیز مرجعیت شیعه نوشته آقای حسینیان چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی منعکس شده - می توان به عمق درایت مراجع و علما پی برد
۴. مانند آیات نظام خوبی، حکیم، مرتضی حائری، امام، شریعتمداری، گلپایگانی، مرعشی نجفی، میلانی، سیدحسن قمی و ...

۵. اصول شش گانه عبارتند بودند از سیاه دانش/ شرکت زنان در انتخابات/ ملی شدن جنگلها/ فروش سهام کارخانه های دولتی به عنوان پستوانه اصلاحات ارضی/ سهم کردن کارگران در سود کارخانه.

مخالفت خاموش علما از جمله امام با این طرح آغاز شد.^۱ متعاقب آن شاه در ۴/۱۱/۴۱ در صحن مطهر حرم حضرت معصومه(س) سخنرانی کرد و با بیان این جمله که ما اجازه نمی‌دهیم ارتجاع سرخ و سیاه از پیشرفت این مملکت جلوگیری کنند، رسماً به روحانیت توهین کرد.

صدور اعلامیه معروف به امضای نه تن که از طرف مراجع طراز اول قم درباره‌ی این حادثه^۲، و پیشنهاد امام و موافقت علما و حوزه‌های علمیه مبنی بر اعلام عزای در نوروز سال ۴۲، از پیامدهای مسئله‌ی یادشده بود.

آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی نیز در این دو جریان همانند دیگر علمای حوزه‌های علمیه، اقدام به صدور اطلاعیه کرد: نخست در ماجرای انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود و سپس اعلام عزای با عنوان اعلامیه‌ی روحانیان تهران درباره‌ی اعلام عزای در نوروز ۴۲.

در اطلاعیه‌ی اول، ایشان به همراه پدر و دیگر بزرگان تهران، ضمن آگاه ساختن مردم از این جریان خطرناک و تبیین عواقب آن در جامعه‌ی اسلامی، به دولت علم هشدار دادند که با ادامه‌ی تعلل و مسامحه در این قضیه و به اصطلاح جواب‌های بی سرورته، خود را در معرض خشم عمومی مردم قرار ندهد، و در انتها خواستار لغو هرچه سریع‌تر لایحه (که بر خلاف شرع و قانون اسلامی بود) شدند.^۳

اطلاعیه‌ی دوم را با عنوان اینکه «روحانیون، امسال عزادارند» به همراه پدر و دیگر بزرگان تهران امضا نمود. در آن اطلاعیه به علت تصادف ایام نوروز با شهادت امام جعفر صادق علیه السلام و همچنین حوادث ناگواری که به اسلام و مسلمین وارد شده است عید نوروز آن سال، عزای عمومی اعلام گردید.

۲. قیام ۱۵ خرداد

پس از اعلام نوروز ۴۲ به عنوان ایام عزای از سوی روحانیون سراسر کشور، دوم فروردین آن سال، نیروهای امنیتی به مدرسه‌ی فیضیه یورش بردند و تعدادی از طلاب را به شهادت رساندند.

مردم، روحانیان و حوزه‌های علمیه سراسر کشور از این فاجعه‌ی دردناک اعلام انزجار کردند و امام ۴۲/۲/۱۲ به مناسبت چهلمین روز فاجعه مدرسه‌ی فیضیه اعلامیه‌ای صادر کرد.

۱. منظور از مخالفت خاموش این است که تعداد اندکی از علماء آن هم به صورت محدود با این طرح مخالفت کردند چون در ظاهر این اصول شش‌گانه، منابع مردم را تأمین می‌کرد اما برای اطلاع از پشت پرده به کتاب سه سال بیشتر مرجعیت شیعه نوشته آنان حسینیان مراجع شود.

۲. امضاء کنندگان اعلامیه مزبور عبارت بودند از آیات عظام: حضرت امام، مرتضی حسینی لنکرودی، سید احمد حسینی زنجانی، سید محمد حسین طباطبائی، سید محمد موسوی یزدی، سید محمدرضا موسوی گلپایگانی، مرتضی حائری، و برخی دیگر.

۳. متن اعلامیه به تاریخ ۹۱۳۴۲/۱ در صفحه ۵۲ اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳ موجود می‌باشد.

در آغاز محرم سال ۱۳۸۳ هـ.ق، اطلاعیه‌ی امام مبنی بر لزوم افشاگری اقدامات رژیم توسط مبلغین در ماه محرم منتشر شد. از سوی دیگر رژیم شاهنشاهی نیز اعلان کرد که مبلغین و وعاظ در سه موضوع ذیل حق صحبت ندارند: علیه شخص اول مملکت، علیه اسرائیل، مرتب به گوش مردم نخوانند که اسلام در خطر است.

امام در عصر عاشورا مصادف با ۱۳/۳/۱۳۴۲ بر ضد رژیم سخنرانی کرد و ساعت سه بامداد روز ۱۵ خرداد، دستگیر و روانه‌ی تهران گردید.

پخش خیر دستگیری امام، و اعتراض مردم، نهضت ۱۵ خرداد را بارور ساخت. مردم خشمگین قم با پلیس به مبارزه برخاستند و علاوه بر درگیری و کشته شدن رئیس شهربانی قم، از سوی پلیس به سوی مردم تیر اندازی شد و به کشته شدن تعدادی از مردم بی‌دفاع منجر گردید. ارتش با تانک و زره‌پوش در صحنه حاضر شد و دیوار صوتی توسط هواپیماهای ارتش شکسته شد. کفن‌پوشان ورامین در دفاع از نهضت امام قیام کردند و به دست رژیم در میانه‌ی راه تهران قتل عام شدند. قیام فراگیر شد و به دیگر شهرهای ایران سرایت کرد و دژخیمان شاه نیز متقابلاً به قتل عام پرداختند. تعداد شهداء ۱۵ خرداد طبق نقلی بین ۵ تا ۱۵ هزار نفر تخمین زده شده است.

حوزه‌های علمیه‌ی ایران و عراق یکصدا به محکومیت و اعتراض نسبت به این اعمال ددمنشانه پرداختند و تهران در ۱۲/۳/۴۲ به مناسبت هفتم فاجعه ۱۵ خرداد، در اعتصاب سراسری فرو رفت و بالاخره امام در ۲۱/۵/۴۲ از زندان آزاد شد.

سند شماره‌ی ۱۱۱-۱۱۸ در ۵ صفحه موجود در مرکز اسناد، به نام فعالیت علمای طراز اول تهران در قیام ۱۵ خرداد تهران اشاره دارد و در آن نام‌های محمد تقی فلسفی، علی فلسفی، ابوالقاسم فلسفی در این لیست به چشم می‌خورد.

با توجه به اسناد ساواک بی شک بزرگانی چون مرحوم فلسفی که امامت مسجد مهمی چون لرزاده را برعهده داشتند در برپایی اقداماتی چون اعتصاب سراسری تهران قابل توجه است.^۱

۳. تبعید امام به ترکیه

در ۱۳/۷/۴۲ دولت علم لایحه‌ای را مبنی بر مصونیت قضائی اتباع آمریکایی در هیئت دولت تصویب کرد که به نام کاپیتولاسیون معروف شد. در سال ۱۳۴۳ این لایحه به تصویب مجلس^۲ رسید. نشریه‌ی داخلی مجلس خدمت حضرت امام رسید و متن کامل مذاکرات مجلس در این باره افشا گردید.

۱. در همان سند فوق خیابان خراسان که مسجد لرزاده در آن واقع است به عنوان یکی از مراکز اصلی سامان‌دهی قیام معرفی شده است.

۲. شورای ملی و سنا

پیک‌های متعدد توسط امام نزد دیگر مراجع و علما روانه شد. متعاقباً امام در چهارم آبان ماه ۴۳ نطق تاریخی خود را در محکومیت کاپیتولاسیون با جمله‌ی «انا لله و انا الیه راجعون» ایراد کرد.^۱

همان شب - یعنی شب ۱۳ آبان - صدها کماندو به سرپرستی سرهنگ مولوی به بیت امام در قم هجوم بردند و امام را دستگیر و شبانه به تهران بردند. قبل از طلوع آفتاب روز ۱۳ آبان امام با یک هواپیمای نظامی به ترکیه تبعید شد و خبر آن با پخش اطلاعیه ساواک از رادیو و تلویزیون همه جا پیچید. مردم از این جریان به خشم آمدند و به دنبال آن فرزند ارشد امام، حاج آقا مصطفی خمینی نیز دستگیر و به ترکیه تبعید گردید. اما مردم نیز بیکار ننشستند و عاقبت در اول بهمن سال ۱۳۴۳، حسنعلی منصور، همان که لایحه‌ی مذکور را به مجلس ارائه کرده بود، به دست شهید محمد بخارائی ترور شد.

جامعه‌ی روحانیت تهران - مانند مردم و دیگر روحانیان - در این جریانات، و در پی منشر شدن خبر دستگیری و تبعید امام به ترکیه، اقدام به صدور اطلاعیه‌ای کردند. اما این اطلاعیه تا حدودی با دیگر اطلاعیه‌ها تفاوت داشت. در این اطلاعیه مرحوم فلسفی، به همراه برادر بزرگ خود ابوالقاسم و دیگر علما، نامه‌ای به سفیر کبیر ترکیه نوشت مبنی بر اینکه، امام از مراجع و شخصیت‌های برجسته عالم اسلامی می‌باشند؛ و مورد توجه عموم مردم - مخصوصاً جامعه روحانیت - می‌باشند و خواسته‌ی ایشان خواسته‌ی عموم دینداران می‌باشد؛ لذا از دولت متبوع خود بخواهید با توجه به موقعیت ایشان، موجبات استراحت خاطر خطیر ایشان را فراهم نموده و در ضمن از سلامتی معظم‌له این جانبان را مستحضر نمائید تا به اطلاع عموم مردم برسانیم.^۲

۴. اشغال فلسطین توسط صهیونیستها

در ۱۴ می ۱۹۴۸، انگلستان از اقتدار خویش در فلسطین چشم پوشید و از آن به بعد یهودیان این کشور، به فرماندهی «دیوید بن گورین» موجودیت حکومتی با نام اسرائیل را اعلام کردند. در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷، خاک فلسطین توسط آمریکا و شوروی به دو قسمت عربی و یهودی تقسیم شد. جهان اسلام از این تجزیه و اشغال به خشم آمد و در سال ۱۹۴۸ جنگ بین اعراب و اسرائیل شروع شد. اما در بهار سال ۱۹۴۹ قرارداد متارکه‌ی جنگ بین

۱. چند جمله از این سخنرانی تاریخی چنین است:
- کاپیتولاسیون یعنی وطن و استقلال وطن را فروختن.
- کاپیتولاسیون یعنی مصونیت خارجی‌ها در ارتکاب جنایت.
- کاپیتولاسیون یعنی تنزل مقام و ارزش ملت ایران.
- کاپیتولاسیون یعنی وحشی معرفی کردن ملت مسلمان ایران.
۲. این نامه در تاریخ ۱۳۴۳/۹/۵ به عنوان نامه جمعی از علماء و روحانیان تهران به سفیر ترکیه، درباره تبعید امام، در صفحه ۱۲۴ ج ۳ اسناد انقلاب اسلامی درج گردیده است.

اعراب و اسرائیل منعقد گردید. سپس اسرائیل دست به عملیات متعدد نظامی زد که همگی منجر به کشتار و آوارگی فلسطینیان گردید.

بحث فلسطین یکی از مباحث دغدغه آفرین در تاریخ معاصر جهان اسلام، و مورد توجه مردم و روحانیت شیعه بوده است و هر بار در مقاطع گوناگون - با توجه به تحركات اسرائیل در منطقه - این بحث به اوج می‌رسیده است.

در سال ۱۳۴۶ آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی به همراه دیگر علمای تهران اطلاعیه‌ای صادر کردند با عنوان «اعلامیه جمعی از روحانیان درباره‌ی تجاوز نظامیان صهیونیست به سرزمین فلسطین» و به همراه برادر خود ابوالقاسم و داماد خانواده - آیه الله مصطفی مسجد جامعی - تأثرات شدید خود را از این وقایع ابراز داشتند، و از مردم خواستند که ضعف و سستی نورزند و برای مردم ستم دیده فلسطین کمکهای مادی جمع آوری کنند^۱

۵. شهادت شهید سعیدی

شهید سعیدی در ۱۳۰۸/۲/۲ به دنیا آمد. وی پس از هجرت به قم با امام آشنا شد و با فرارسیدن سال ۱۳۴۱، ایشان به همراه دیگر روحانیان به گرد شمع وجود امام می‌چرخید. با اوج گرفتن نهضت ایشان در محافل مختلف مخصوصاً در مسجد موسی بن جعفر علیه السلام - که امام جماعت آنجا را به عهده داشت - به سخنرانی‌هایی بر ضد رژیم پرداختند. در سال ۱۳۴۵ به علت سخنرانی درباره‌ی جنایات اسرائیل، به مدت ۶۱ روز به زندان افتاد. در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۹ بعد از تصویب کاپیتولاسیون با صدور انتشار اطلاعیه، مردم را از این خطر بزرگ مطلع ساخت. رژیم بعد از این وقایع، ایشان را در زندان قزل قلعه زندانی و بعد از شکنجه‌های بسیار در چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۴۹ آن عالم مجاهد را به شهادت رسانید.^۲

شهادت یک شخصیت روحانی آن هم در مقام شهید سعیدی و به صورت وحشیانه، موجب تأثر شدید در جامعه‌ی روحانیت شد، به گونه‌ای که اطلاعیه‌های بسیاری در محکوم کردن این اقدام رژیم از تمام نقاط ایران صادر شد. مجالس ترحیم برای آن شهید بزرگوار در کشور برگزار نشد. زیرا رژیم در جهت برگزاری این گونه مجالس هم ممانعت به عمل می‌آورد.

در چنین جو اختناق‌ی مرحوم آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی در خرداد ۱۳۴۹ و در مسجد لرزاده مجلس ختمی را برگزار کرد. به علت اهمیت مسجد لرزاده و نزدیک بودن این مسجد به مسجد موسی بن جعفر علیه السلام - که کانون اصلی فعالیت‌های سیاسی شهید سعیدی بود - ساواک نگاه ویژه‌ای به این مسجد بخصوص در قضیه برگزاری مجلس ترحیم شهید

۱ متن اعلامیه در اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۲۰۷ موجود می‌باشد.
۲ از جملات ایشان نسبت به امام: به خدا سوگند اگر مرا بکشید و خونم را بر زمین بریزید درقطره، قطره خونم نام مقدس خمینی نقش بسته است.

سعیدی داشت؛ لذا قبل از شروع سخنرانی، ساواک به مسجد هجوم آورده و باعث برهم زدن این مجلس و اجتماع گردید.^۱

۶. بیت مرحوم فلسفی کانون توجه علما و روحانیون مشهد

یکشنبه دهم بهمن ۱۳۵۰، برادر ایشان یعنی فلسفی خطیب به صورت دائم تا پیروزی انقلاب، ممنوع المنبر شد. وی در سال ۱۳۵۲ جهت دیدار با علما وارد مشهد شد. ایشان در بیت برادر خویش، یعنی آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی به سخنرانی پرداخت و رفت و آمد علما به منزل مرحوم فلسفی به مناسبت حضور و سخنرانی مرحوم فلسفی خطیب اهمیت خاصی پیدا کرد.

در این ایام یعنی روزهای ولادت حضرت علی علیه السلام - به خصوص روز ۱۳ رجب سال ۱۳۹۳ هـ ق - رژیم نسبت به منزل آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی حساس می‌شود و از آن تاریخ، ایشان را تحت نظر می‌گیرد. باید توجه داشت نام علما و روحانیون خاصی در این مجالس توسط ساواک گزارش نشده، لیکن بیت مرحوم فلسفی از این تاریخ، به عنوان یکی از محافل تحت نظر ساواک قلمداد می‌شود.^۲

۷. واقعه‌ی گشتار طلاب مدارس فیضیه و دار الشفاء قم

بعد از فزونی قیمت نفت و سرازیر شدن دلارهای نفتی به خزانه‌ی دولت، رژیم تصمیم به افزایش قدرت نظامی خویش و ایجاد فضای اختناق شدید گرفت. در روزهای ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ خرداد ۵۴، طلاب پرشور و جوان حوزه‌ی علمیه‌ی قم در مدرسه‌ی فیضیه، سالگرد فاجعه‌ی ۱۵ خرداد را برگزار نمودند. طلاب برای دور بودن و جلوگیری از حمله‌ی احتمالی مأموران ساواک، با بلندگو بر روی پشت بام‌های مدرسه فیضیه و دارالشفاء آنچه را می‌خواستند به اطلاع مردم می‌رساندند. عکس العمل شدید مأموران رژیم در قبال این حرکت به این گونه بود که تعدادی از طلاب را از پشت بام‌ها بر روی زمین انداختند و سر و دست طلاب را شکستند. تعداد مقتولین و شهدای این واقعه - طبق نقل مطبوعات خارجی - به ۴۵ نفر رسید. حدود صد نفر از دستگیر شدگان از شش ماه تا ۱۵ سال حبس، محکوم شدند. بعد از این واقعه، مدرسه فیضیه تا پیروزی انقلاب به حال تعطیل درآمد.

در روز ۵۴/۳/۱۹، مرحوم فلسفی به همراه شهید هاشمی‌نژاد، آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی مرحوم آیه الله حسنعلی مروارید و دیگر علماء به پشتیبانی از حوزه علمیه قم و به عنوان اعتراض، دروس خود را تعطیل کردند. شهید هاشمی‌نژاد و آیه الله طبعی به علت سخنرانی شدید اللحن علیه رژیم بازداشت شدند. ساواک به مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد هشدار داد در

۱. طبق سند ۱۳۳۸-۳ در زمینه گزارش از این عملیات، ساواک مدعی شده است بدون هیچ گونه اتفاق خاصی توانسته مانع برگزاری مجلس شود.

۲. به عنوان مثال در جریان تشیع جنازه مرحوم کافی، مرحوم فلسفی (خطیب) توسط برادر در جریان ما وقع قرار می‌گیرد. این جریان در حالی اتفاق می‌افتد که مکالمات تلفنی ایشان توسط ساواک تحت کنترل بوده است.

صورتی که همچنان دروس را به حالت تعلیق نگاه دارند، از تدریس آنها به صورت دائم جلوگیری خواهد شد.^۱

۸. شهادت آیه الله آقا مصطفی خمینی

ایشان آذر ۱۳۰۹ در قم به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدای و اتمام مقدمات و سطوح عالی حوزه در سال ۱۳۳۰ به درس خارج پدر و آیه الله العظمی بروجردی شرکت جست. در سال ۴۱ همراه با پدر به مبارزات با رژیم پرداخت. وی در چهارم آبان ۱۳۴۳ علیه لایحه کاپیتولاسیون سخنرانی کرد که منجر به تبعید ایشان به ترکیه شد. در ۱۳ مهر ۴۴ ایشان به همراه امام به نجف منتقل شدند. در ۲۱ خرداد ۴۸ به علت تحریک آیه الله حکیم بر ضد رژیم بعثی، توسط رژیم به زندان عراق منتقل شدند و مورد هشدار شدید رئیس جمهور عراق «حسن البکر» قرار می گیرند که با واکنش شدیدی از سوی ایشان روبه رو می شود. و در نهایت در نیمه شب یکشنبه، اول آبان ماه ۱۳۵۶، به شکل مرموزی به شهادت رسیدند.^۲

به دنبال انتشار خبر درگذشت ناگهانی آیه الله سید مصطفی خمینی در اول آبان ۱۳۵۶ ش، آیه الله سید عبدالله شیرازی مجلس ختمی در مسجد ملاهاشم مشهد برگزار کرد، و در دوم آبان حجة الاسلام سید عباس ذاکری (فخر الاسلام) سخنرانی نمودند.

در این محفل سیاسی - مذهبی ۲۰۰۰ نفر از طبقات مختلف مردم و آیات عظام همچون مروارید، جوادی تهرانی، فلسفی تنکابنی، حسینی زنجانی و ... شرکت داشتند.

در یکمین سالگرد شهادت ایشان و همزمان با چهلمین روز واقعه‌ی خونین کشتار مردم در روز ۱۷ شهریور ۵۷، اطلاعیه‌ای از طرف حضرات آیات ابوالحسن شیرازی، میرزا جواد تهرانی، حسینی زنجانی، فلسفی و دیگر بزرگان، مبنی بر اعلام روز دوشنبه ۱۳۵۷/۷/۲۴ به عنوان عزای عمومی و درخواست از عموم طبقات مردم به برگزاری مراسم عزا صادر شد.

همچنین به دنبال درگذشت شهید آقا مصطفی خمینی تلگراف‌های تسلیت به این مناسبت، به حضرت امام در نجف، از طرف علمای مشهد - مانند مرحوم فلسفی و دیگر بزرگان - ارسال شد.^۳

۹. قیام خونین مردم قم

در روز ۱۷ دی ماه ۵۶ مقاله‌ای با نام «ایران و استعمار سرخ و سیاه» در روزنامه‌ی اطلاعات به قلم فردی به نام احمد رشیدی مطلق که حاوی انکار یکی از ضروریات دین به نام «حجاب» و همچنین اهانت به مرجع عالیقدر

۱ سند شماره ۷۶۳/هـ، مورخ ۵۴/۳/۱۶

۲ امام در یادداشتی چنین مرقوم کردند: «باسمه تعالی: «انا لله و انا الیه راجعون». در روز یکشنبه نهم شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۹۷ مصطفی خمینی، نور بصرم و مهجه قلبم، دار فانی را وداع کرد و به جوار رحمت حق تعالی شتافت.»

۳ شهید هاشمی‌نژاد در اسناد ساواک، ص ۷۰۱

جهان تشیع حضرت امام و قیام ۱۵ خرداد - که آن را توطئه‌ی استعمار سرخ و سیاه معرفی کرده بود - منتشر شد. مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم^۱ پس از اطلاع از محتوای مقاله با اقدامی هماهنگ، تمامی دروس خود را در تاریخ ۱۸ دی ماه تعطیل کردند. صبح ۱۸ دی ماه، عده‌ای از طلاب به بیت آیه الله العظمی گلپایگانی رفتند و در آن جا تجمع کردند. روز نوزدهم بازار قم تعطیل شد و نیروهای امنیتی از تهران به قم و در حوالی مرقد حضرت معصومه(س) و مدارس علمیه مستقر شدند. راهپیمایی طلاب از بیت آیه الله میرزا هاشم آملی شروع شد. در گزارش ساواک، تجمع بیش از پنج هزار نفر از طلاب قم در مسجد اعظم آمده است. درگیری از طرف رژیم آغاز شد و با تیراندازی به سمت مردم و جنگ و گریز تا شب ادامه یافت و قیام خونین قم در تاریخ به ثبت رسید.

به گزارش ساواک، به دنبال انتشار این مقاله مدرسین طراز اول مشهد از جمله آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی درس و نماز خویش را به نشانه‌ی اعتراض تعطیل کردند. در اوائل این گزارش آمده است: طلاب مشغول پخش اطلاعات در بین مردم هستند و در بعضی از خیابان‌های شهر آشوب به پا می‌کنند.

در این گزارش و دیگر اسناد^۲ آمده است که آقایان علی فلسفی، حسنعلی مروارید، میرزا جواد تهرانی، سید عباس سیدان^۳، عباس واعظ طبسی، عبدالکریم هاشمی‌نژاد، محمدرضا محامی و شیخ ابوالحسن شیرزای درس و نماز خود را تعطیل نمودند. در سند ۲۰۸۲-۸ نام آیه الله سید علی نقی طبسی هم آمده است.

۱۰. اعلام عزا در نوروز سال ۱۳۵۷

روز ۲۹ بهمن ۵۶ مصادف با چهلم شهدای ۱۹ دی در قم، در تبریز مسجد قزلی (میرزا آقا یوسف مجتهدی) ساعت ده صبح به دعوت از آیه الله قاضی طباطبائی و ده نفر از علمای تبریز، قرار بود مجلسی برگزار شود. مأموران کلانتری به مردم دستور تفرق می‌دهند. سرگرد حق شناس رئیس کلانتری مانع حضور مردم در مجلس می‌شود، و همچنین توهین به مردم می‌کند. شخصی به نام محمد تجلّا که از توهین‌های سرگرد حق شناس به هیجان می‌آید با وی گلاویز می‌شود، حق شناس اسلحه‌ای کمربندش را بیرون می‌آورد و این جوان ۲۲ ساله را به شهادت می‌رساند. مردم به خشم می‌آیند و شهر به آشوب کشیده می‌شود. بنابر آمار که ساواک ارائه

۱. حضرات آیات وحید خراسانی، یوسف صانعی، سید حسن طاهری خرم آبادی، محمد مؤمن، علی مشکینی، ناصر مکارم شیرازی، محمد یزدی، سید حسن موسوی تبریزی از اعضای آن زمان جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه قم، بودند.
۲. شهید هاشمی‌نژاد به روایت اسناد ساواک، ص ۷۱
۳. سند شماره ۲۲-۲۰۸۲ و ۸-۲۰۸۲ موجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. مسئول مدرسه‌ی آیه الله خویی در آن زمان

می‌دهد ۸۱ نفر دستگیر، ۹ نفر کشته، ۱۱۸ نفر زخمی^۱، سه دستگاه تانک، دو سینما، یک هتل، کاخ جوانان، حزب رستاخیز و تعدادی اتومبیل شخصی و دولتی به آتش کشیده شدند.

به دنبال حوادث قم و تبریز دو اعلامیه، یکی به نام اعلامیه جمعی از روحانیون خراسان به مناسبت فرارسیدن نوروز ۱۳۵۷، و دیگری به نام اعلامیه جمعی از علمای خراسان به مناسبت فرارسیدن نوروز ۱۳۵۷ صادر شد. اعلامیه‌ی نخست به امضای افرادی مانند سید جعفر سیدان، عباس واعظ طبسی، شهید هاشمی‌نژاد، محمدرضا دهشت، رضا رضازاده و دیگر روحانیون آن زمان مشهود رسید.

اما اعلامیه‌ی دوم که از طرف آیات عظام میرزا جواد تهرانی، میرزا علی فلسفی، سید کاظم مرعشی، حسنعلی مروارید، ابوالحسن شیرازی و ... در تاریخ ۵۶/۱۲/۲۵ صادر شد، بر نداشتن عید در نوروز سال ۱۳۵۷ - به خاطر حوادث شهرستان قم و تبریز - تأکید دارد.

۱۱. قیام مردم یزد

با نزدیک شدن چهلم شهدای تبریز - یعنی دهم فروردین ۵۷ - جوش و خروش خاصی در سراسر ایران به وجود آمد. مردم یزد مانند دیگر نقاط ایران، تظاهرات خویش را از هشتم فروردین آغاز کردند. روز چهارشنبه ۱۳۵۷/۱/۹ مردم در روضه محمدیه شهر، مجلسی در بزرگداشت شهدای تبریز برگزار کردند و بعد از مجلس به خیابان‌ها ریختند و شعارهای ضد شاه و رژیم دادند و به مظاهر فساد آن روز - مانند سینماها و مشروب فروشی‌ها و ... - هجوم بردند. فردای آن روز آیه الله صدوقی مردم را به تعطیل عمومی و اجتماع در مسجد جامع شهر فراخواند. بعد از مجلس مردم به خیابان‌ها ریختند و با حمله مأموران رژیم و تیراندازی به سوی مردم، قیام مردم یزد وارد مرحله‌ای جدید شد.

علمای قم مانند حضرات آیات گلپایگانی و مرعشی نجفی و شیرازی با ارسال نامه‌های جداگانه به آیه الله صدوقی، ابراز تأسف شدید خویش را اعلام کردند.

جمعی از علمای مشهد مانند مرحوم فلسفی نیز با ارسال نامه به شهید آیه الله صدوقی درباره حوادث یزد تأسف شدید خود را ابراز کردند.

در این نامه، علما به اتفاق، چهلمین روز مقتولین یزد و جهرم و اهواز را که برابر با سه شنبه نوزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ بود، به عنوان عزای عمومی اعلام کردند، و از همه طبقات مردم تقاضا کردند مراسم عزاداری را در این روز برگزار کنند.

۱ یکی از مجروحان آن حادثه سید یحیی رحیم صفوی می‌باشد که در حال حاضر فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌باشد.

۱۲. بازداشت شهید هاشمی نژاد

۲۱ خرداد ماه ۱۳۵۷ مأموران کمیته‌ی مشترک ضد خراب‌کاری به منزل سید عبدالکریم هاشمی نژاد یورش بردند و ضمن تجسس خانه و ضبط کتاب، نوار و اوراق سیاسی، ایشان را بازداشت و به ساواک انتقال دادند. در همان روز حضرات آقایان: عباس واعظ طبسی، سید حسن موسوی جهان آبادی و محمدرضا محامی نیز بازداشت شدند.

بلافاصله بعد از انتشار خبر، مرحوم فلسفی به همراه حضرات آیات سید حسن صالحی، شیخ ابوالقاسم روحانی و عزالدین زنجانی، در اعتراض به حرکت مزبور، دروس خود را تعطیل کردند. فردای آن روز، ۴۰۰ نفر از طلاب در بیت آیه الله سید عبدالله شیرازی تَحْصُنْ کردند، و آیه الله شیرازی در حرکتی اعتراض آمیز از اقامه‌ی نماز جماعت ظهر خودداری نمودند.

۱۳. یکشنبه خونین ده دی در مشهد

عصر روز شنبه ۱۳۵۷/۱۰/۲ تظاهر کنندگان به درب منزل آیه الله شیرازی رفته، مأموران برای متفرق کردن مردم اقدام به تیراندازی به سوی مردم می کنند که در نتیجه تعدادی شهید و مجروح شدند. در بیانیه‌ای که از سوی آیه الله شیرازی در این خصوص صادر شد تعداد شهدای دوم دی ده نفر و تعداد مجروحان ۶۰ نفر اعلام گردید.

سوم دی برخی از کارکنان سازمانها و ادارات دولتی مانند قضات، وکلا و کارمندان دادگستری استان خراسان با مردم اعلام همبستگی نمودند. هفتم دی کلیه کارمندان استانداری خراسان ضمن ابراز همدردی با خانواده شهدا و ابراز تنفر از شاه و ایادی او دست از کار کشیدند و در منزل آیه الله قمی متحصن شدند. همچنین تعداد دیگری از کارمندان ادارات مختلف دولتی به مردم پیوستند.

نهم دی راهپیمایی عظیمی به سمت باغ استانداری صورت گرفت که با توجه به پیوستن کارمندان آن به مردم، به تصرف استانداری خراسان منجر شد. در پی آن، ارتش با تانک و تجهیزات نظامی به مردم یورش برد و آنان را قتل عام کرد. در همین روز برخی از مأموران رژیم دستگیر و به بیت آیه الله شیرازی منتقل شدند

علمای مشهد مانند آیات عظام: فلسفی، مروارید، جواد تهرانی، در بیت آیه الله شیرازی جلسه اضطراری تشکیل دادند و به گفته سید محمد علی شیرازی غیر از آیه الله قمی، تمام علمای طراز اول مشهد در آن جلسه حضور داشتند..

اما صبح دهم دی ۵۷، فرماندهان لشکر ۷۷ خراسان در راستای دستور تیمسار اویسی مبنی بر کشتار فراگیر در سطح شهر مشهد، اقدام به سازماندهی ارتش می نمایند. مردم مشهد بی خبر از اقدام ارتش به خیابانها ریختند و حمله‌ی منسجم ارتش به آنها قتل عام و کشتار وحشیانه‌ی مردم را رقم زد.

عصر آن روز مردم در بیت آیه الله شیرازی جهت کسب اطلاع از آنچه گذشت، تجمع کردند و مأموران رژیم به بیت آیه الله شیرازی هجوم بردند و مردم را از آنجا متفرق، و تعدادی را شهید و مجروح ساختند. همچنین به دنبال یورش مأموران به داخل بیت آیه الله شیرازی، حال ایشان به هم خورد و زیر نظر پزشک در منزل بستری شدند. در پی این وقایع حضرت امام به صورت تلفنی حال ایشان را جویا شدند.

علمای مشهد مانند حضرات آیات سید کاظم مرعشی، جواد تهرانی، علی فلسفی، حسنعلی مروارید، مهدی نوقانی، ابوالحسن شیرازی و حسینی زنجانی با صدور اعلامیه، از واقعه‌ی هولناک دهم دی ابراز تأسف شدید کردند و مردم را به شرکت در مجلس هفتمین روز این مصیبت بزرگ در مسجد گوهرشاد فراخواندند.

۱۴. تحصن در صحن امام

علمای مشهد از جمله آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی در اعتراض به بسته شدن فرودگاهها از جمله مشهد و جلوگیری از ورود امام، با صدور بیانیه‌ای، در صحن امام خمینی در حرم امام رضا متحصن شدند. با وجود اینکه خبر باز شدن فرودگاهها را به علما دادند، جمعی تصمیم گرفتند تا ورود امام به ایران در همان جا به تحصن خود ادامه دهند.

۱۵. تشکیل مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

پیش نویس قانون اساسی توسط شورای انقلاب و هیئت دولت موقت تدوین، و در تاریخ ۵۸/۳/۲۴ در روزنامه‌ها منتشر شد. سپس لایحه قانون انتخابات مجلس خبرگان اساسی در هشت فصل و چهل ماده در هیئت دولت و شورای انقلاب به تصویب رسید و در تاریخ ۵۸/۵/۲ انتخابات خبرگان برگزار گردید و ۷۵ نماینده‌ی انتخابی مردم به مجلس خبرگان قانون اساسی راه یافتند. در ۵۸/۵/۲۸ مجلس خبرگان با پیام امام خمینی افتتاح گردید و در ۵۸/۸/۲۴، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل با یک مقدمه و مؤخره تنظیم شد و بالأخره در تاریخ ۵۹/۹/۱۲ رأی فراگیر مردمی آن را تأیید کرد.

مرحوم آیه الله العظمی میرزا علی فلسفی به عنوان یکی از اعضای حزب جمهوری اسلامی در انتخابات مجلس خبرگان شرکت کرد و با ۹۰۶۸۸۸ رأی به همراه آقایان محمود روحانی، آیه الله میرزا جواد تهرانی، آیه الله شیخ ابوالحسن شیرازی، جلال الدین فارسی، حجج اسلام سید محمد خامنه‌ای و علی تهرانی، به عنوان نمایندگان استان خراسان به مجلس خبرگان راه یافتند.

۱۶. جنگ تحمیلی

بدیهی است شخصیتی با سابقه‌ی مبارزاتی که از ابتدای نهضت در سال ۴۱ همراه امام و مردم بوده‌اند و با راهنمایی‌ها و کمکهای مادی و معنوی خویش پیشقراولان مبارزه علیه رژیم را همراهی می‌کردند، در جریان جنگ تحمیلی

هم این مسیر را تداوم بخشیدند فی المثل ایشان همراه دیگر اساتید با صدور اعلامیه ای در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۰ از مردم خواستند تا از اسراف و تبذیر و احتکار و شایعه سازی پرهیز کنند و در راستای پیروزی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی قدم بردارند.

خاتمه

آنچه گفته شد با توجه به ضیق وقت و در دسترس نبودن برخی از منابع تهیه شده است فلذا کمبودهای در این نوشتار مشاهده می شود که از شما خواننده‌ی گرامی تقاضا می شود اگر در رابطه با فعالیت‌های سیاسی ایشان مخصوصاً در زمان جنگ تحمیلی و قبل از انقلاب اطلاعات سندی، صوتی، نوشتاری از ایشان مانند اعلامیه (غیر آنچه در انتهای مقاله فهرست شده است)، دست خط‌های ایشان در جهت راهنمایی و تأیید و ابراز انزجار و مخالف از عملکرد دولت ورژیم شاهنشاهی، خاطرات، و دیگر موارد برای نویسنده ارسال نمایند که ان شاء الله بتواند موجب تهیه و تنظیم اثری در خور شان حضرت آیه الله العظمی فلسفی در زمینه حیات سیاسی و مبارزاتی ایشان گردد.

جهت ارسال مدارک و بیان خاطرات از طریق آدرس ذیل مدرک و مطالب خود را ارسال نمایید

E-mail: majmafiqh@yahoo.com

آدرس: مشهد مقدس - چهارراه خسروی - خیابان شهید رجائی - دفتر تبلیغات اسلامی - مجمع فقه و مبانی اجتهاد - صندوق پستی: ۵۹۹۱
تلفن: ۶-۲۲۳۳۳۵۰ -۲۲۵۶۰۴۸ نامبر:

ضمیمه (۱)

لیست اعلامیه‌های که به امضای ایشان رسیده است

ردیف	عنوان اعلامیه	تاریخ اعلامیه
۱	اعلامیه‌ی علماء و روحانیان تهران درباره‌ی تصویب نامه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی	۴۱/۹/۱ ش
۲	اعلامیه‌ی روحانیان تهران درباره اعلام عزای در نوروز ۴۲	۴۱/۱۲/۲۸ ش
۳	نامه‌ی جمعی از علما و روحانیان تهران به سفیر کبیر ترکیه درباره تبعید امام	۴۳/۹/۵ ش
۴	اعلامیه‌ی جمعی از روحانیان درباره تجاوز نظامیان صهیونیست به سرزمین فلسطین	۴۶/۳/۲۲ ش
۵	اعلامیه‌ی جمعی از علمای خراسان به مناسبت فرارسیدن نوروز ۵۷	۴۶/۱۲/۲۵ ش
۶	اعلامیه‌ی جمعی از علمای مشهد به مناسبت چهلمین روز شهدای ۲۹ بهمن تبریز	۵۷/۱/۷ ش
۷	نامه جمعی از روحانیان مشهد به شهید آیه الله صدوقی درباره حوادث یزد و دیگر شهرها و اعلام عزای عمومی	۵۷/۲/۱۶ ش
۸	اعلامیه‌ی جمعی از روحانیان مشهد مقدس درباره تحریفات روزنامه خراسان	۵۷/۵/۹ ش
۹	اعلامیه‌ی حوزه علمیه خراسان درباره‌ی حوادث مشهد مقدس و حمله به منزل آیه الله شیرازی	۵۷/۱۰/۱۴ ش
۱۰	اعلامیه‌ی علماء مشهد در جهت تنفر از واقعه ۱۷ شهریور ۵۷ و برگزاری اولین سالگرد شهید آیه الله آقا مصطفی خمینی ره	۵۷/۷/۲۲ ش
۱۱	اعلامیه‌ی علماء مشهد درباره حمایت مردم از نیروهای مسلح در جنگ تحمیلی	۵۹/۷/۱۰ ش

ضمیمه (۲)

فهرست وقایع مورد اشاره در مقاله

ردیف	عنوان واقعه	تاریخ واقعه	شماره صفحه
۱	تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی	۱۳۴۱/۷/۱۶ ش	۵
۲	تصویب لوایح شش‌گانه معروف به انقلاب سفید	۱۳۴۱/۱۱/۶ ش	۵
۳	اعلام عزای عمومی در نوروز ۴۲	۱۳۴۱/۱۲/۲۸ ش	۵
۴	قیام ۱۵ خرداد	۱۳۴۲/۳/۱۵ ش	۶
۵	تبعید امام به ترکیه	۱۳۴۳/۸/۱۳ ش	۷
۶	تجاوز نظامیان صهیونیست به فلسطین	خرداد ۱۳۴۶ ش	۸
۷	شهادت شهید سعیدی	۱۳۴۹/۳/۲۰ ش	۸
۸	حضور حجة الاسلام محمد تقی فلسفی در مشهد	۱۳ رجب ۱۳۹۳ ق	۹
۹	فاجعه مدارس فیضیه و دارالشفاء	۱۳۵۴/۳/۱۷ ش	۱۰
۱۰	شهادت آقا مصطفی خمینی	۱۳۵۶/۸/۱ ش	۱۰
۱۱	قیام ۱۹ دی ماه مردم قم	۱۳۵۶/۱۰/۱۹ ش	۱۱
۱۲	اعلام عزای عمومی در نوروز ۵۷	۱۳۵۶/۱۲/۲۵ ش	۱۲
۱۳	قیام مردم یزد	۸- ۱۳۵۷/۱/۱۲ ش	۱۳
۱۴	دستگیری شهید هاشمی‌نژاد	۱۳۵۷/۳/۲۱ ش	۱۳
۱۵	قیام مردم مشهد	۱۳۵۷/۱۰/۱۰ ش	۱۴
۱۵	تحصن در صحن امام خمینی	۱۳۵۷/۱۱/۱۰ ش	۱۵
۱۶	تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۱۳۵۸/۵/۲۸ ش	۱۵
۱۷	جنگ تحمیلی	۱۳۵۹/۶/۲۹ ش	۱۵

